

# هو الله - ای نفس مؤید نامه فصیح و بلیغ چون نافه مشک...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۵۷

هو الله

ای نفس مؤید نامه فصیح و بلیغ چون نافه مشک معطر بود، رائحه ایمان و ایقان و ثبوت بر پیمان منتشر نمود. فی الحقیقه آیت حبّ بود و برهان ثبوت قدم در امر جمال قدم. به مجرد قرائت توّسل و تبّتل به درگاه احدیت گردید که ای خداوند مهربان این بنده آستان را روح مؤید کن و نور مجسم فرما. آرزوی دل و جان بخشش و پاسبان عتبه علیا فرما. موفق به نفثات روح القدس کن و در صون حمایت محفوظ و مصون دار. در دنیا مورد عطا کن و در جهان بالا محبوب اصفیا فرما. شفای حقیقی بخشش و اطمینان نفس عطا کن. در دو جهان به عتبه مقدّسه مشرف فرما. الهی الهی هذا عبدک المنجذب بنفحات قدسک المشتغل بذکرک المشتعل بنار محبتک قد تأبجت فی قلبه شعله الهدی و توقدت نیران الشوق بین ضلوعه و الاحشاء و قام بالوفاء فی عتبه قدسک العلیاء. ربّ ربّحه من کأس مزاجها کافور و ادخله فی حدیقة السّرور بالفضل الموفور و یسر له کلّ معسور و استجب دعائه و وفقه فی جمیع الامور. ربّ انه اتبع الهدی بین عصبه من اهل الهوی و ثلّة من اولی الشقی قدر له ما یتنّی و اجعل له مقاماً علیاً.

ای ثابت بر پیمان آن شخص محترم به آیه مبارکه قرآن تمسک فرمود قال او لم تؤمن قال بلی ولكن لیطمئنّ قلبی. این آیت عین حقیقت است. هر چند این طلب از لسان قوم بود ولكن حضرت خلیل موفق به ایمان تامّ به ربّ جلیل شد بعد اطمینان عظیم خواست نه اینکه به جهت ایمان خدا را امتحان کرد. لیس لاحد ان یمتحن اهل



ORIGINAL



AUDIO

الحق بل لاهل الحق ان يمتحنوا العباد. اقوام شتى سرور كائنات حبيب حضرت كبرياء عليه التحية و الثناء را امتحان نمودند و اين را شرط ايمان قرار دادند. قومی گفتند لن نؤمن لك حتى تفجر لنا من الارض ينبوعا، حزبي گفتند او تكون لك جنة من نخيل و عنب فتفجر الانهار خلالها تفجيرا، رهطی گفتند او تسقط السماء كما زعمت علينا كسفا و امثال ذلك. در جواب اينها مأمور شد كه بفرمايد سبحان ربّي هل كنت الا بشراً رسولاً. لهذا آن شخص محترم بايد به ايمان تامّ فائز شود تا ليطمئن قلبي فرمايد. و مفاد اين آيه را حضرت ابراهيم از برای ضعفا خواست ولكن محض خضوع و خشوع نسبت به خود داد چنانچه حضرت حبيب نجار در خطاب به قوم فرموده ما لي لا اعبد الذي فطرني و اليه ترجعون، مقصود مبارکش ما لكم لا تعبدون الذي فطرکم و اليه ترجعون و الا حضرت خليل جليل بود نفس مطمئنه بود راضية مرضيه بود نفس قدسيه بود. مع ذلك يؤيد من يشاء على ما يشاء فيما يشاء و لا تياسوا من روح الله و لا تقنطوا من رحمة الله و اسئل الله ان يفيض عليه شآبيب رحمته و يجعل له من امره رشدا و يتيقن بقوة القلب ان الشفاء بيد الله ليس بيد الاطباء و يترك آلة التحليل بيده لانّ تحليل الماء يورث الترديد و ليس علاج الاطباء الا وسيلة طفيفه له تأثير في وصف الشفاء لا في اصل الشفاء. شخص محترم اگر به ايمان تامّ راسخ ثابت چون خليل جليل فائز گردد شفا را حتماً مقضياً داند و عنوان مستعار از برای ایشان محرم جنوبي باشد و عليك البهاء الابهي. عبدالبهاء عباس ۹ محرم ۱۳۳۹ حيفا.